

# جمع بندی کل

مبحث ترجمه

دکتر ایاد فیلی



# فنون ترجمه + درك مطلب

۱- اصول درست ترجمه

۲- فرمول های ترجمه افعال جمله

۳- مهمترین نکته های ترجمه

۴- آزمون ترجمه

۵- درك مطلب و فهم متن

تأليف: دكتر ايام فيلى

ترجمهٔ افعال مختلف در عربی

- ۱ فعل ماضی: عَرَفَ (شناخت) ... عرفوا (شناختند) ... عرفتم (شناختید)
- ۲ فعل مضارع: يَعْرِفُ (می‌شناسد) ... تعرفون (می‌شناسید)
- ۳ فعل امر: اُكْتُبْ (بنویس) ... اِرْجِعُوا (برگردید) ...
- ۴ معادل ماضی استمراری: (كان + مضارع) مانند  
 كَانِ يَعْرِفُ: می‌شناخت  
 كُنْتُ أَعْرِفُ: می‌شناختم  
 ...
- ۵ معادل ماضی بعید: (كان + قد + ماضی) مانند  
 كَانِ قَدْ عَرَفَ: شناخته بود  
 كَانُوا قَدْ عَرَفُوا: شناخته بودند  
 كُنْتُ قَدْ عَرَفْتُ: شناخته بودم
- ۶ فعل (كان) بدون اینکه فعل ماضی یا مضارع بعد از آن بیاید، معنی «بود» می‌دهد، مانند: كان التلميذ مؤدباً: دانش‌آموز مؤدب بود.
- ۷ كان + ل: داشت، مانند: كان لأخي كتاب: برادرم کتابی داشت.

توجه

- ((عند)) یا ((ل)) + ضمیر متصل ← دارم، داری، دارید و ... مانند:  
 • عندي: دارم، عندك: داری و ...  
 • له: دارد = برای او، لك: دارید = برای تو ...

- ۸ لَمَّا + ماضی: هنگامی که، مانند: لَمَّا ذَهَبَ: هنگامی که رفت
- ۹ ] قد + ماضی: ماضی نقلی یا ماضی ساده ← قد ذهب: رفت یا رفته است.  
 ] قد + مضارع: «شاید» یا «گاهی» ← قد يذهب: شاید برود، گاهی می‌رود.
- ۱۰ ] «س» یا «سوف» + مضارع ← مستقبل  
 ] سيذهب: خواهد رفت  
 ] سوف يذهب: خواهد رفت

مهمترین نکته‌های ترجمه

- ۱- لطفاً به مقایسهٔ دو ترکیب زیر توجه کنید:  
 • كِتَابُهُ النَّظِيفُ ... : کتاب تمیز او ...  
 • كِتَابُهُ نَظِيفٌ ... : کتاب او تمیز است.  
 (صفت) (خبر)
- اسم تنوین‌دار بعد از ضمیر متصل، هرگز صفت واقع نمی‌شود و هنگام ترجمه حتماً بعد از آن، از فعل «است» استفاده می‌کنیم.

پرسش

- ترجمهٔ کدام‌یک از ترکیب‌های زیر نادرست است؟
- ۱) مَزْرَعَتُنَا الْكَبِيرَةُ ... : مزرعهٔ بزرگ ما ...
  - ۲) سَفَرَتُكُمُ الْعِلْمِيَّةُ ... : گردش علمی شما ...
  - ۳) عَمَلُكَ صَالِحٌ : کار نیک شما ...
  - ۴) فَرِيقُهُ فَائِزٌ : تیم او پیروز است.

پاسخ

- ۲- مهم‌ترین کلمات پرسشی عبارت‌اند از:
- |                     |                                 |                                    |
|---------------------|---------------------------------|------------------------------------|
| أَيْنَ: کجا         | کَم: چند                        | لِمَنْ: مال کیست، مال چه کسانی است |
| مَنْ: چه کسی        | مِنْ أَيْنَ: از کجا - اهل کجایی | هَلْ: آیا                          |
| مَا: چه چیزی = چیست | مَتَى: کی = چه وقت              | كَيْفَ: چگونه                      |
| لِمَ: لماذا (به چه) | لِمَ: لماذا (چرا)               |                                    |

- ۳- دقت کنید کلمات (هو) یا (هي) بعد از (ما) در سؤال‌هایی مانند (ما هو اسمك) یا (ما هي اسباب النجاح)، ترجمه نمی‌شوند و به عبارت ساده‌تر، (ما هو) یا (ما هي) به صورت یک کلمه به معنی (چیست) ترجمه می‌شوند.

۴- به چهار نکته زیر در مورد ترجمه اسم‌های معرفه و نکره توجه بفرمایید:

(الف) ترجمه خبر ← مانند: العلم مفید: علم مفید است  
گاهی با اینکه خبر نکره است، به صورت معرفه ترجمه می‌شود.  
نکره

(ب) ترجمه موصوف و صفت نکره ← مانند: ... في مزرعة واسعة  
... در مزرعه بزرگی ✓  
... در مزرعه‌ای بزرگ ✓  
اگر موصوف و صفت هر دو نکره باشند، فقط یکی از آن دو به صورت نکره ترجمه می‌شود.  
نکره

(ج) اسم‌های موصول خاص مانند (الذي، التي، الذين و ...) اگر بعد از اسم (الدار بیابند، اغلب به صورت «که» ترجمه می‌شوند. مانند:  
الكتاب الذي اشتريته ← کتابی که ...  
دقت کنید که در این حالت اسم قبل از (که) همراه با (ی) ترجمه می‌شود.

(د) ترجمه اسم همراه با (این) با (آن) ← اگر اسمی در یک عبارت به صورت نکره بیاید، سپس در ادامه همان عبارت همراه با (ال) آورده شود، می‌توان آن اسم را همراه با «این» یا «آن» ترجمه کرد. مانند:  
قرأت كتاباً، الكتاب كان مفيداً: کتابی خواندم، آن کتاب مفید بود.

۵- در ترجمه (كان - يكون) باید دقت کنید که:

(كان - يكون) گاهی به صورت (است) و (می‌باشد) ترجمه می‌شوند؟  
.....

۱) كان ... ← معنی بود، مانند: كان التلميذ مؤدباً (دانش‌آموز مؤدب بود).

۲) كان + فعل مضارع ← معنی ماضی استمراری، مانند: كان يَعْرِفُ (می‌شناخت).

۳) كان + ل ← معنی داشت، مانند: كان لِأخي كتابٌ (برادرم کتابی داشت).

۴) كان + قد + ماضی ← معنی ماضی بعید، مانند:  
كان سَمِعَ (شنیده بود).  
كان قد سَمِعَ (شنیده بود).  
الطالب كان سَامِعاً (دانش‌آموز شنیده بود).

### نمونه تست

#### ۱ مَيِّرُ الْخَطَا فِي تَرْجُمَةِ (كَانَ ...):

- ۱) إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً: به درستی که خدا آمرزنده و مهربان است.
- ۲) كَانَ عِنْدِي سَرِيْرٌ خَشِيْبِي: تختی چوبی داشتم.
- ۳) قَدْ كَانَتْ الْمُفْرَدَاتُ صَعْبَةً: لغات سخت شده بود.
- ۴) يَكُوْنُ الْاَطْفَالُ مُوَفَّقِيْنَ: بچه‌ها موفق می‌باشند.

۶- حروف مُشْتَبِهَةٌ بِالْفِعْلِ:

لَعَلَّ	لَيْتَ	لَكِنَّ	كَأَنَّ	أَنَّ	إِنَّ
امید است، شاید	کاش	ولی، اما	گوی، مانند	که	همانا، به درستی که

به فرق این چهار کلمه خوب دقت کنید:

إِنْ	أَنْ	إِنَّ	أَنَّ
اگر، حرف شرط	که، حرف ناصبه	همانا، اول جمله	که، اول جمله نمی‌آید

۷- روش ترجمه أسلوب حصر و اختصاص:

اگر جمله قبل از لا منفی و مستثنی منه آن محذوف باشد، می‌توان جمله را با دو روش ترجمه کرد. مثال:

- ما حَفِظَ الْقَصِيْدَةَ إِلَّا كَاطِمٌ ] تنها یا فقط کاظم قصیده را حفظ کرد ← مثبت  
کسی جز کاظم قصیده را حفظ نکرد ← منفی

همان‌طور که در مثال بالا مشخص است، جمله را یک‌بار با (فقط یا تنها) ... + فعل مثبت) و یک‌بار هم با (کسی یا چیزی جز ... + فعل منفی) ترجمه می‌کنیم و هر دو روش درست و صحیح است.

**توجه** هنگام ترجمه جملاتی که به شیوه اسلوب «حصر و اختصاص» آمده‌اند، باید توجه کرد که کلمه «تنها» یا «فقط» متعلق به اولین کلمه بعد از «الّا» است. به مثال ساده زیر توجه کنید:

خلاصه اینکه اولین کلمه بعد از «تنها» یا «فقط» نباید فعل باشد، بلکه اسم است.

● لا تُقَلُّ الّا الحقُّ } حق را فقط بگو ← غلط است. ✗  
 فقط حق را بگو ← درست است. ✓

۸- ترجمه مفعول مطلق

اگر تأکیدی باشد: از قیدهای تأکیدی مانند (حتماً، واقعاً، بی‌گمان، مسلماً و...) استفاده می‌کنیم.

الف) همراه با صفت: اغلب فقط خود صفت را معنی می‌کنیم و مفعول مطلق در ترجمه دیده نمی‌شود. مثال: هو یُکْرِمُ الضیفَ اکراماً بالغاً: او مهمان را بسیار گرامی می‌دارد. مفعول مطلق صفت

ب) همراه با مضاف‌الیه: به صورت «مانند» ترجمه می‌شود. مثال: جَلَسَ الرجلُ جُلوسَ المتواضع: نشست مرد مانند نشستن (افراد) متواضع یا متواضعانه. فعل جمله مفعول مطلق مضاف‌الیه

نمونه تست

۲ میّز الصحیح فی الترجمة:

- ۱) یَجْتَهِدُ أَخِي فِي أَعْمَالِهِ إِجْتِهَادًا: کوشش می‌کند برادرم در کارهایش، مانند تلاشگران.
- ۲) یَجْتَهِدُ أَخِي فِي أَعْمَالِهِ إِجْتِهَادًا بِالْغَا: برادرم در کارهایش حتماً تلاش می‌کند.
- ۳) أَخِي يَجْتَهِدُ فِي أَعْمَالِهِ: بی‌گمان برادرم در کارهایش تلاش می‌کند.
- ۴) یَجْتَهِدُ أَخِي فِي أَعْمَالِهِ إِجْتِهَادًا صَادِقًا: برادرم در کارهایش صادقانه تلاش می‌کند.

۹- ترجمه فعل بعد (لیت، لعل):

ترجمه

(لیت) یا لعلّ + فعل مضارع ← معنی ← مضارع التزامی، مانند

لیت صدیقی یَنْجَحُ: کاش دوستم قبول بشود.  
 لعلّ صدیقی ینجَحُ: شاید دوستم قبول بشود.

لیت + فعل ماضی، مانند: لیت صدیقی نَجَحَ یا

به صورت ماضی استمراری<sup>۱</sup>: کاش دوستم قبول می‌شد.  
 به صورت ماضی بعید: کاش دوستم قبول شده بود.

نمونه تست

۳ میّز الخطأ فی الترجمة:

- ۱) لیت صدیقی إبتعدَ عَن الكَسَلِ: کاش دوستم از تنبلی دوری می‌کرد.
- ۲) لعلّ الطفلُ یمشي بِسرعة: شاید کودک به سرعت راه برود.
- ۳) لیتنی أشاركُ فی المسابقة: کاش من در مسابقه شرکت می‌کردم.
- ۴) لعلّ السماءُ تُمطرُ اليومَ: امید است که آسمان امروز ببارد.

۱۰- معنی «لا»ی نفی جنس

لا ی نفی جنس اغلب به معنی «هیچ ... نیست» یا «هیچ ... ندارد» می‌باشد. مثال:

● لا عِلْمٌ له: هیچ علمی ندارد.  
 ● لا کَنْزٌ أَحْسَنُ مِنَ الْقِنَاعَةِ: هیچ گنجی بهتر از قناعت نیست.

نمونه تست

۴ کُلُّ طَعَامٍ لَا يُذْکَرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا هُوَ دَاءٌ وَلَا بَرکةَ فِيهِ:

- ۱) برکت هر غذایی با ذکر نام خدا بیشتر می‌شود و بدون آن بیماری و بلاست.
- ۲) همه غذاها به نام خدا متبرک می‌شوند و بدون آن درد به شمار می‌روند و بی‌برکت.
- ۳) هر غذایی که نام خدا بر آن ذکر نشود، مسلماً بیماری است و هیچ برکتی در آن نیست.
- ۴) هر طعامی که نام الله بر آن ذکر نشود، بی‌گمان بیماری می‌آورد و برکت از آن می‌رود.

۱۱- معنی و کاربرد باب‌ها

معانی فعلی که به باب رفته و به ثلاثی مزید تبدیل شده است اغلب با ریشه خود آن کلمه متفاوت خواهد بود. به مثال‌های زیر توجه کنید. بنابراین هنگام ترجمه فعلی که به باب رفته است، باید به معنی و مفهوم آن توجه کرد.

ثلاثی مجرد	ثلاثی مزید
خَرَجَ (خارج شد)	تَفَعَّلَ: تَخَرَّجَ (فارغ التحصیل شد)
نَظَرَ (نگاه کرد)	إِفْتَعَلَ: اِنْتَبَهَرَ (انتظار کشید)
جَلَسَ (نشست)	أَفْعَلَ: أَجْلَسَ (نشاند)
صَدَّقَ (راست گفت)	تَفَعَّلَ: تَصَدَّقَ (صدقه داد)

نمونه تست

۵ مَبْرُورُ الْجَوَابِ الْغَيْرِ الْمُنَاسِبِ لـ: (..... السَّائِحُ جَوَازَهُ مِنَ الشَّرْطِيِّ).

- ۱) اِسْتَلَمَ      ۲) اَسْلَمَ      ۳) اَخَذَ      ۴) تَسَلَّمَ

۱۲-

الف) فعل مضارع چه هنگام معنی ماضی می‌دهد؟

- ۱- لم + مضارع ← ماضی منفی ← لَمْ يَذْهَبْ ] نرفته / نرفته است  
 ۲- فعل اول جمله ماضی ... مضارع ← رَأَيْتُ رَجُلًا يَعْمَلُ: مردی را دیدم که کار می‌کرد.  
 ماضی استمراری

ب) فعل ماضی چه هنگام معنی مضارع می‌دهد؟

ادوات شرط (إِنْ، مَنْ، ...) + ماضی ← معنی مضارع ← إِنْ صَبَرَ نَجَحَ: اگر صبر کند پیروز می‌شود.

۱۳- اسم اشاره (هَناک) اگر اول جمله بیاید و بعد از آن اسم بیاید نه فعل می‌توان به صورت وجود دارد. یعنی به صورت فعل ترجمه شود.  
 مثال:

هَناک شَرُوطٌ لِلصِّدِيقِ ... : دوست شرایطی دارد.

۱۴- حرف جر (علی) نیز اگر اول کلام بیاید گاهی به صورت فعل (واجب است، باید) معنی می‌شود یعنی حرف به صورت فعل ترجمه می‌گردد:  
 - عَلَیْکُمْ أَنْ تَجْتَهَدُوا ... ← بر شما واجب است که تلاش کنید.

**توجه** به معنی لغات و اصطلاحات به کار رفته در متن درس‌های کتب درسی توجه خاص داشته باشید و مرتب آن‌ها را مطالعه و دوره کنید.

## مبحث ترجمه

سؤال‌های کنکور ۹۸

آزمون  
ترجمه

ریاضی - ۹۸

۶ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...»:

- ۱) ولیّ شما فقط الله است و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند ...
- ۲) همانا ولیّ شما خداوند است و پیامبرش و هر کس ایمان بیاورد ...
- ۳) سرور شما بدون شک الله است و پیامبر و آنکه ایمان آورده است ...
- ۴) به‌درستی که خداوند سرور شما است و رسول او و کسی که ایمان آورده است ...

ریاضی - ۹۸

۷ «كُنْتُ أَفْكَرَ فِي نَفْسِي هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ تَكُونَ قَدْ خُلِقَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَ كُلُّ مَا فِيهِمَا مِنْ دُونِ حِكْمَةٍ!»:

- ۱) با خویش در اندیشه‌ام که آیا امکان دارد این آسمان و زمین و همه چیز که در آنهاست بی‌حکمت خلق شود!
- ۲) با خودم فکر می‌کنم که آیا ممکن است، آسمان و زمین و هرچه در آن هست بی‌حکمت خلق شده باشد!
- ۳) با خود می‌اندیشیدم، آیا امکان دارد که آسمان و زمین و هر آنچه در آنهاست بدون حکمت خلق شده باشد!
- ۴) با خویشتن خود فکر می‌کردم آیا ممکن است این آسمان و این زمین و آنچه که در آن هست بدون حکمت خلق شود!

تجربی - ۹۸

۸ «الاستفادة من الجوّال ليست مسموحة في حصة الامتحان!»:

- ۱) استفاده از تلفن همراه در جلسه امتحان مجاز نیست!
- ۲) به‌کار بردن گوشی همراه در جلسات امتحان منعی ندارد!
- ۳) آوردن تلفن همراه در جلسه امتحانات مانعی ندارد!
- ۴) از گوشی همراه استفاده کردن در جلسه امتحان مجاز است!

تجربی - ۹۸

۹ «تستطيع الدّلافين أن تُرشدنا إلى مكان سقوط طائرة أو مكان غرق سفينة!»: دلفین‌ها .....

- ۱) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها و غرق کشتی‌ها هدایت کنند!
- ۲) می‌توانستند ما را به مکان سقوط هواپیما و غرق کشتی، راهنمایی کنند!
- ۳) توانستند ما را به مکان سقوط هواپیماها یا مکان غرق کشتی‌ها هدایت نمایند!
- ۴) می‌توانند ما را به مکان سقوط یک هواپیما یا مکان غرق یک کشتی، راهنمایی کنند!

انسانی - ۹۸

۱۰ «إن الإنسان الّذي يجد طعاماً مناسباً لفكره سٌصّح قدرته للفهم و العمل أكثر!»:

- ۱) انسانی که غذای مفیدی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!
- ۲) انسانی که غذای مناسبی برای فکر خود می‌یابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۳) اگر انسان غذای مناسبی را برای اندیشه خود بیابد نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر خواهد شد!
- ۴) انسان کسی است که غذای مفیدی را برای فکر خود یافته و نیرویش برای فهم و عمل، بیشتر شده است!

هنر - ۹۸

۱۱ «المفردات الّتي تدخل اللّغة العربيّة من لغات أُخرى و تتغيّر حروفها و أوزانها وفق اللّغة العربيّة، تُسمّى الكلمات المُعربّة!»:

- ۱) واژگانی را که در زبان عربی از دیگر زبان‌ها داخل شده و حروف و وزن آنها طبق زبان عربی در آمده است، کلمات عربی شده نامیده‌اند!
- ۲) کلماتی که از زبان‌هایی دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حروف و اوزان آنها طبق زبان عربی تغییر می‌کند، کلمات معرّب نامیده می‌شوند!
- ۳) مفرداتی را که از زبان‌های دیگر وارد زبان عربی می‌شوند و حرف‌ها و وزن‌های آنها مطابق زبان عربی دگرگون می‌شوند، واژگان معرّب نامیده‌اند!
- ۴) واژگانی که از زبان‌های دیگری داخل زبان عربی شده‌اند و حروف و اوزان آنها مطابق با این زبان تغییر کرده، واژگان عربی شده نامیده شده‌اند!

زبان - ۹۸

۱۲ «لَمَّا نَقَلْتُ لَصَدِيقِي الْخَبَرَ الَّذِي كُنْتُ أَسْمَعُهُ دَائِمًا، قَالَ لِي: إِنِّي كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ هَذَا الْخَبَرَ مَرَارًا قَبْلَ هَذَا!»:

- ۱) آن‌گاه که به دوستم گفتم این خبر را پیوسته می‌شنوم، او به من گفت: من همین خبر را بارها پیش از این شنیده بودم!
- ۲) وقتی خبری را که دائماً می‌شنیدم برای دوستم نقل کردم، به من گفت: من این خبر را قبل از این بارها شنیده بودم!
- ۳) هنگامی که این خبر را که مرتباً می‌شنیدم برای دوستم گفتم، او به من گفت: من نیز همین خبر را پیش از این به دفعات شنیده‌ام!
- ۴) زمانی که داشتم برای دوستم خبری را که بارها شنیده بودم نقل می‌کردم، به من گفت: من هم این خبر را قبل از این به دفعات شنیده‌ام!

۱۳

«إِنهَا كَانَتْ مِنْ أَشْهَرِ مُسْتَشْرَقِي الْقَرْنِ الْعَاشِرِ الْهَجْرِي، وَ كَانَتْ تَقْدِرُ أَنْ تُلْقِيَ مُحَاضِرَاتِهَا الْعِلْمِيَّةَ بِأَكْثَرِ مِنْ خَمْسِ لُغَاتٍ عَالَمِيَّةٍ!»: خارج - ۹۸

- ۱) همانا او مشهورترین خاورشناس در قرن دهم هجری بود، و قادر بود به بیش از پنج زبان جهانی سخنرانی علمی ایراد کند!
- ۲) وی حقیقتاً مشهورترین خاورشناس سده دهم هجرت بوده که به بیش از پنج زبان بین‌المللی می‌توانست سخنرانی علمی کند!
- ۳) وی بی‌گمان از مستشرقان مشهور در سده دهم هجرت بود، و قدرت داشت به بیش از پنج زبان در جهان سخنرانی‌های علمی کند!
- ۴) قطعاً او از مشهورترین مستشرقان قرن دهم هجری بود، و می‌توانست سخنرانی‌های علمی خود را به بیش از پنج زبان بین‌المللی ایراد کند!

۱۴

«كاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدم!»:

- ۱) لعلنی أشاهد مدن بلادی جميعاً!
- ۲) ليتني أنظر كلّ المدن في بلادی!
- ۳) لعلی كنت أنظر مدن بلادی كلها!
- ۴) ليتني كنت أشاهد جميع مدن بلادی!

۱۵

عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: إثم
- ۲) الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ: تائب
- ۳) مَنْ لَا يُرَاعِي الْقَانُونَ: مُشَاغِب
- ۴) مَنْ يَتَكَلَّمُ بِصَوْتٍ ضَعِيفٍ: هَمَس

۱۶

عَيْنِ مَا فِيهِ الْمُرَادُفُ:

- ۱) ازدادت المفردات العربية في الفارسية بعد ظهور الإسلام!
- ۲) بعد أن نزل الماء من السماء أصبحت الأرض مخصرة!
- ۳) دارنا في هذا الشارع ولكن بيت زميلي في شارع آخر!
- ۴) أصبح المؤمنون بنعمة ربهم إخواناً!

۱۷

عَيْنِ مَا فِيهِ التَّضَادُّ:

- ۱) القيام و القعود من أعمال الصلاة!
- ۲) الشمس و القمر كوكبان في السماء!
- ۳) ينزل الثلج و المطر من السماء في فصل الشتاء!
- ۴) ممنوع على المسلم الأكل و الشرب في شهر رمضان!

۱۸

مَبِّزٌ مَا هُوَ مُخْتَلَفٌ مِنْ حَيْثُ التَّرْجُمَةُ:

- ۱) كان زميلي لا يعرف الجواب الصحيح
- ۲) ما كان زميلي يعرف الجواب الصحيح
- ۳) زميلي ما كان عارفاً الجواب الصحيح
- ۴) زميلي لم يكن يعرف الجواب الصحيح

۱۹

مَبِّزٌ مَا هُوَ مُخْتَلَفٌ مِنْ حَيْثُ التَّرْجُمَةُ:

- ۱) ما كان الطالبُ حاضراً في القاعة
- ۲) لم يحضر الطالب في القاعة
- ۳) ما كان الطالبُ قد حَضَرَ في القاعة
- ۴) الطالبُ ما كان حضر في القاعة

۲۰

مَبِّزٌ الْخَطَأُ فِي التَّعْرِيبِ:

- ۱) جملات مختصری در این متن به کار رفته است: اُستخدِمْتُ جُمْلَ و جِيزَةَ فِي هَذَا النَّصِّ.
- ۲) برای همین فهم آن دشوار نمی‌باشد: لذا لم يكن فهمه صعباً.
- ۳) و به آسانی به هدف گوینده‌اش پی می‌بریم: و نَصِلُ إِلَى غَايَةِ قَائِلِهِ بِسَهُولَةٍ.
- ۴) و از زیبایی جملات آن لذت می‌بریم: و نَتَمَتَّعُ بِجَمَالِ عِبَارَاتِهِ.

۲۱

مَبِّزٌ الْعِبَارَةُ الَّتِي لَا يَتَرَجَّمُ فِعْلُهَا بِشَكْلِ «مُضَارِعِ التَّزَامِي»:

- ۱) عَلَى التَّلَامِيذِ أَنْ يُمَارِسُوا الرِّيَاضَةَ حَتَّى الضَّعْفَاءُ مِنْهُمْ.
- ۲) النَّاسُ الْعَقْلَاءُ لِيُوَاجِهُوا حَقَائِقَ الْحَيَاةِ الْمَرَّةَ بِالرِّضَاءِ وَ التَّفَاوُلِ
- ۳) لِلْكَلامِ آدَابٌ وَ مِنَ الْوَاجِبِ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا لِيُصْبِحَ كَلَامُهُ مَوْثِقاً
- ۴) لَنْ يَشْفِيَ هَذَا الْمَرِيضَ بِسُرْعَةٍ لِأَنَّهُ لَا يَسْمَعُ نَصَائِحَ الطَّبِيبِ وَ لَا يَعْمَلُ بِهَا.

۲۲

عَيْنِ الْجَارِ وَ الْمَجْرُورِ بِمَعْنَى فِعْلِ

- ۱) النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ
- ۲) الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ
- ۳) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَدِعَ عَنِ الْعُجْبِ.
- ۴) الدَّهْرُ يَوْمَانٍ: يَوْمَ لَكَ وَ يَوْمَ عَلَيْكَ.



۲۳ «اگر خوبی کنی برای خود می کنی» میّز الخطأ فی التعرّيب:

- (۱) ان تُحسِن، احسنت الی نفسیک  
(۲) ان أحسنت، تُحسني لِنفسک  
(۳) ان تُحسني، تحسني لِنفسک  
(۴) ان أحسنت، فهو أحسنُ لِنفسک

۲۴ میّز (افعل التفضيل) یختلف فی المعنی:

- (۱) جِبِلٌ دماوند أعلى مِن جِبِلِ سبلان  
(۲) سُورَةُ البقرة اكبر سُورَةَ فِي القرآن  
(۳) آسیا اكبر القارات فِي العالم  
(۴) أحسنُ الاعمالِ هي التي یَنفَعُ بها الناس

۲۵ میّز العبارة جاءت فیها (ال) بمعنی اسم الاشارة.

- (۱) بنی المزارعون هذا السیاحَ حَوْلَ تلك المزرعة.  
(۲) قرأتُ قصيدةً، القصيدةُ أرشدتني الی طریقِ الحقّ.  
(۳) ظهورُ الطبيعة تُثبت حقيقةً واحدةً و هي قدرةُ الله.  
(۴) تُوجدُ غاباتٌ جميلةٌ مِن شجرة البلوطِ فِي محافظاتِ غرب البلاد.

۲۶ میّز المناسب للفراغ حسب الترجمة: (عندی ..... شدید ..... یكون بسبب التعب الكثير: سر درد شدیدی دارم، شاید به خاطر

خستگی زیاد باشد).

- (۱) ضغط - لَعَلَّه  
(۲) صداع، رُبّما  
(۳) رأسٌ فِيه الام - عَسَى  
(۴) ألمٌ فِي الراس - لیته

۲۷ ما هو الصحيح فِي ترجمة «اعملن أعمال الخیر مخفیة عن أعین الناس»:

- (۱) کارهای خیر را در حالی که از چشمان مردم پنهانید، انجام دهید.  
(۲) انجام دهید کارهای خیر را در حالی که آن کارها از چشمان مردم پنهان است.  
(۳) کارهای خوب را مخفیانه از چشم مردم انجام دادند.  
(۴) مخفیانه از چشمان مردم کار خیر را انجام دهید.

سراسری تجربی ۹۶

۲۸ «الناس لا یقعون فی التفرقة، إلا إذا ابتعدوا عن الصراط المستقیم! مردم .....» عین الخطأ:

- (۱) در تفرقه نمی افتند، مگر وقتی از صراط مستقیم دور گردند!  
(۲) فقط وقتی در تفرقه می افتند که از صراط مستقیم دور گردند!  
(۳) دچار تفرقه نمی گردند، مگر هنگامی که از راه راست دور شوند!  
(۴) فقط زمانی که از صراط مستقیم دور می شوند در تفرقه نمی افتند!

۲۹ عین الصحيح:

- (۱) المؤمن هو الذي لا یرجو الآخرة إلا بعمله: «مؤمن کسی است که فقط با عملش به آخرت امیدوار است.  
(۲) أبحاث العلماء الحديثة مفيدة: تحقیقات دانشمندان جدید مفید است.  
(۳) استمعتُ الی نصائحِ أمی استماعاً و عملتُ بها: به نصیحت‌های مادرم گوش دادم و به آنها عمل کردم.  
(۴) أثرت الثقافة الفارسیة فی الثقافة العربیة تأثیراً كاملاً: فرهنگ فارسی بر فرهنگ عربی تأثیر گذاشته است.

۳۰ میّز الصحيح فی ترجمة بما تحته خط:

- (۱) المقترحات المرسله كثيرة: ارسال کننده  
(۲) قرّرت الطائره المتهاجمة: حمله شده  
(۳) هذا الدواء مُستخرج من ذلك النبات: استخراج شده  
(۴) الفيلم المُشاهد كان رائعاً: بیننده

## پاسخنامه

پاسخ	سوال
۲	۲۵
۲	۲۶
۲	۲۷
۴	۲۸
۱	۲۹
۳	۳۰

پاسخ	سوال
۱	۱۷
۳	۱۸
۲	۱۹
۲	۲۰
۴	۲۱
۳	۲۲
۴	۲۳
۱	۲۴

پاسخ	سوال
۴	۹
۲	۱۰
۲	۱۱
۲	۱۲
۴	۱۳
۴	۱۴
۳	۱۵
۳	۱۶

پاسخ	سوال
۴	۱
۴	۲
۳	۳
۳	۴
۲	۵
۱	۶
۳	۷
۱	۸

ایجاد فیلد